

سبک تقلید



تهاجم مدرنیتبه به زندگی اصیل و ساده ایرانی

به هوای خانه‌مادر بزرگ

■ مریم ترابی

در این روزهای بهاری دلم بدجور هوای خانه‌مادربزرگ را کرده‌است. ذهن و دلم بر می‌کشند به سمت خانه‌ای که دیگر نیست. سکوی دم در ورودی خانه که همیشه جایگاهی برای استراحت بود تا مادربزرگ آهسته آهسته بیاید و در را برآیدمان باز کند. هشتی خانه، حوض و بسط حیاط، اتاق مهمان، مطبخ و... گرما و صمیمیتی به این خانه می‌بخشید که حتی با گذر زمان و نشستن گردخاطرها بر ذهن نمی‌توان آن را فراموش کرد. معماری خانه‌های قدیمی، وسایل و چیدمان آنها همگی تکمیل‌کننده این حس خوب و دلنشین بودند. حسی که این روزها در پیچ و خم زندگی مدرن و تقلیدهای کورکورانه از فرهنگ بیگانه به فراموشی سپرده شده‌است و حتی دیگر با رفتن به خانه‌موزه‌های شهرمان نیز نمی‌توانیم آن حس را پیدا کنیم.

■ ■ ■

■ سبک مدرن جایگزین سبک قدیمی

در خانه‌های قدیمی صمیمیت و مهربانی و به نوعی روح زندگی جریان داشت که در خانه‌های شیک و مدرن امروزی وجود ندارد. افراد در این خانه‌ها با ساده‌ترین شکل ممکن زندگی می‌کردند و همیشه هم فریادرس یکدیگر بودند. درواقع سبک زندگی ایرانی مبتنی بر سادگی و به دور از اسراف و ریخت و پاش و تجملگرایی در بین این خانواده‌ها وجود داشته‌است. امروزه با پیشرفت تکنولوژی و شتاب بیش از حد زندگی مدرن سبک زندگی خانواده‌های ایرانی هم دچار دگرگونی شده‌است. خانواده‌های امروزی به نوعی بین سنت و مدرن معلق مانده‌اند. هم نمی‌خواهند از مدرنیت‌عقب‌بمانند هم از سنت دل‌می‌کنند. ولی ظاهراً در این کشمکش،

■ زهرا حیدری

تجملگرایی در هر کجا وارد نشود آن را فاسد می‌کند. از هدیه دادن در نظر بگیرید که یک عمل مستحبی‌است و به تدریج باعث کاهش وقت‌و آمدهای می‌شود تا سخت‌تر شدن ازدواج‌ها و بالاتر از آن تأثیر بر مسائل کلان‌جامعه. تجملگرایی اگر جزء منش مسئولی شد فاتحه آن مملکت خوانده خواهد شد چرا که درک فقر و سختی همنوعان دشوار و دشوارتر می‌شود. انگار نسبت به رنج دیگران گوش‌ها ناشنوا خواهد شد و چشم‌ها نابینا. نه اینکه اسلام با خانه وسیع و مرکب هموار مشکلی داشته باشد؛ بالعکس، اینها همه دستورات دین‌ماست. اسلام با اسراف و تجمل پرستی و خسوی حاصل از آن مشکل دارد؛ خوبی که به سرعت بسیاری از خوبی‌ها را درمی‌نوردد.

■ ■ ■

■ دلمان خوش است که مسلمانیم، اما...

برخوردمان با دین گزینشی شده‌است؛ هر چه را دوست داریم عمل می‌کنیم فارغ از زور حساب. شاید به اسم، بشعور بودن را یک بکشمی اما به رسم نه. خودمان را سرگرم کرده‌ایم و زندگی می‌کنیم با قواعد دل‌نایخته‌مان و دلخوشیم که دینداری هم می‌کنیم؛ دینداری تفننی! هر موقع دلمان خواست گوش می‌سازیم و هر موقع دلمان دستور داد، نه. یادش به خیر روزی بود که اگر به دنبال جنس با کیفیت بودیم به نوعی برای صرفه‌جویی بیشتر و استفاده طولانی‌تر از آن بود، اما امروز بعضاً می‌پیشیم که خرید کالا‌های گران قیمت و برندهای معروف برای به چشم آمدن و نوعی هویت‌بخشی کاذب به شخصتمان است. در واقع دیگران در برخورد با ما بیشتر شکیفته‌خانه‌اشرافی و ماشین مدل بالا بوی چرم لباسمان می‌شوند تا شکیفته شخصتمان. از استفاده طولانی مدت از کالاها خبری نیست و بعد مادم دلمان را می‌زند و خدا نکند با وجود این همه انجناس رنگارنگ درگیر این تنوع‌طلبی‌ها و لذت‌گدایی‌ها شویم. همان لباس‌های ساده، شاید لذت‌بخش‌تر از لباس‌های آنچنانی‌زمان حال بودند؛ چراکه از این همه اسراف خبری نبود و آن لباس‌ها قرار بود یک سالی را مهمان تیمان باشند و اکنون سالی چند بار این خریدها تکرار می‌شود و همین که فلان کالا را دوست داشته باشیم یا دلمان بخواهد اگر حییمان اجازه دهد بدون درنگ می‌خریم و نازل‌تر از آن جاشی شدن چشم و همچشمی و رقابت در این خریدهاست. رقابتی تلخ؛ رقابتی که پایانی ندارد و رقیبان آن یکی دو

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱

سبک تربیت

نقش بانوی خانه در جلوگیری از رواج اسراف

کسی اسرافکار به دنیا نمی‌آید

در نتیجه دچار اسراف نمی‌شود. در این مورد امام باقر(ع) می‌فرمانند: برحذر باش از اینکه به زندگی بالاتر از خودت چشم بدوزی.

نقش بانوی قرآنی در محیط خانه و خانواده در مقابله با عامل خودنمایی این است که نه تنها خود از فقر و تنگدستی گله‌مند نیست بلکه همواره بیانات ارزشمند معصومین (علیهم‌السلام) و زندگی ساده و سراسار از آرامش آنان را الگوی خود قرار می‌دهد و تسکین‌دهنده اعصاب و روان همسر و فرزندان‌اش است.

■ ثروت‌اضافی و درآمدهای کلان

خانواده‌هایی که در آمدشان به میزان مخارج زندگی‌شان است، تمام تلاششان این است که با مصرف بهینه و درست، خرج زندگی‌شان را بچرخانند. از این رو آنها کمتر دچار اسراف و ریخت و پاش‌های بی‌مورد می‌شوند.

در مقابل افرادی که دارای سرمایه‌ها و درآمدهای کلان و هنگفت هستند چنانچه از تربیت اخلاقی و فرهنگ مصرف‌بویی نبرده باشند به اسراف روی می‌آورند و فکری می‌کنند که این زیاده‌روی به اموال آنها خالی وارد نمی‌کند. غافل از اینکه روال زندگی همیشه به یک منوال نبوده‌و در جاده زندگی فراز و نشیب‌های زیادی وجود دارد چه بسا خانواده‌هایی که زمانی در اوج عزت و اقتدار به سر برده‌اند و پس از مدتی به فقر ونداری مبتلا شده‌اند. فردی باید آینده‌نگر باشد و با دوری از اسراف آینده‌ای نیک را برای خود رقم بزند یا اینکه با کمک به همنوعان محتاج و فقیرش، در راه رضا و خشنودی خداوند قدمی بردارد. بانوی قرآنی اگر از افراد ثروتمند باشد از اسراف دوری می‌کند و قسمتی از مالش را صرف نیازمندان و فقرا کرده‌و از حيله‌های شیطان دوری می‌کند چراکه خداوند در قرآن کریم کسانی را که طلا و نقره را انباشته می‌کنند و آن را در خدا اتفاق نمی‌کنند، نکوهش کرده و آنان را به عذابی دردناک در آخرت وعده داده‌است.

■ رسوخ روحیه فطیان و استکبار در انسان

هرگاه که روحیه استکبار و طغیان در وجود آدمی رشد پیدا کند، به خاطر بی‌نهایت‌طلبی و تحمیل حاکمیت خود بر جامعه به سرت عر زیادی در سمت اسراف می‌رود. افرادی که دارای روحیه استکبار هستند برای اینکه به دیگران بفهماند دیگران تسلیم آنان هستند تمام سعی و تلاششان این



است که دم و دستگاه خود را با شکوه‌تر از آنچه هست جلوه دهند و به همین دلیل کوشش

بی‌امانی را در جهت بلعیدن ثروت مردم و جذب آن به هزینه‌های کاخ‌سازی، تجملات رویایی و اسراف‌های پاپان‌ناپذیر خویش، آغاز می‌کنند و لزوماً این عمل را جهت تحکیم موقعیت خود در بین مردم می‌دانند. طغفوت‌منشی و استکبار از عوامل اصلی تجاوز به حقوق مردم و زیاده‌روی و اسراف در سرمایه‌های عمومی و شخصی به حساب می‌آید. بانوجه به آیات قرآن که در نکوهش استکبار است، یک بانوی قرآنی این آیات را در زندگی سرمشق قرار می‌دهد و از اسراف در امان می‌ماند. با بهره‌مندی از آیات قرآن کریم علت و ریشه این کارها را می‌توان شناخت.

قرآن کریم می‌فرماید: **وَأَنْ فِرْعَوْنَ لَعَالِ فِی الْأَرْضِ وَآلِهِنَ الْمَسْرِفِینَ**؛ و به درستی که فرعون در روی زمین استکبار ورزید و همانا او از اسراف پیشگان بود. خداوند بارک و تعالی در آیه شریفه دیگری می‌فرماید: **وَلَقَدْ نَجَّیْنَا بَنِی إِسْرَائِیلَ مِنَ الْعَذَابِ الْعَهِینِ مِنْ فِرْعَوْنَ إِلهَ کَانَ عَلَیْهِمِنَ الْمَسْرِفِینَ**؛ و به تحقیق ما بنی اسرائیل را از عذاب خوارکننده‌ای که از ناحیه فرعون متوجه‌شان بود، رهایی‌دید و همانا فرعون برتری جو و اسرافگران بود.

■ حرف آخر، تعادل در مصرف

دین مقدس اسلام بهره‌برداری مشروع و متعادل از نعمت‌های خداوندی و زیبایی‌های زندگی را مباح و شایسته و اسراف و زیاده‌روی را حرام و ناشایست می‌داند. مسئله اسراف مخصوص یک نفر و دو نفر نیست بلکه یک مسئله عمومی است. یعنی اگر در جامعه‌ای اسراف باشد زیان آن هر چند به طور غیر مستقیم به همه افراد آن جامعه می‌رسد و به تدرستی و سلامت جسم و جان لطمه‌وارد می‌کند و موجب دردهای فردی و اجتماعی در ششون مختلف زندگی شده و تعادل و امنیت طبیعی و

اجتماعی را دگرگون می‌سازد. پس برای جلوگیری از این آسیب‌ها باید تک تک افراد خود را مسئول باندند و از خود و خانواده شروع کنند و خود جامعه را از این آسیب جدی نجات دهند.

*** استاد حوزه و دانشگاه**

سبک تربیت

■ جمیله قاسم‌زاده*

یکی از ویژگی‌های انسان تربیت‌پذیری است. بر این اساس خانواده‌هایی که در مصرف کردن الگوی درستی ندارند و به ریخت و پاش و زیاده‌روی عادت کرده‌اند، این رفتار ناپسند در ذهن فرزندان‌شان نیز نقش بسته‌و موجب می‌شود که این صفت را نه تنها با خود به اجتماع ببرند بلکه آن را به زندگی آینده خود نیز انتقال دهند و برای خلاصی از آن چاره‌ای جز تغییر اخلاق و تربیت وجود‌ندارد.

در واقع هیچ کسی مسرف به دنیا نمی‌آید، بلکه اسرافکار تربیت می‌شود. افرادی که تحت تربیت مادری قرآنی باشند چون در محیط خانه، گناه کمتری رخ می‌دهد، مثلا افراد خانواده به یکدیگر دروغ نمی‌گویند، از یکدیگر کلاهبرداری نمی‌کنند و به‌طور کلی از ردایل اخلاقی به دور هستند. آنان نیز به این رفتار خومی گیرند و برایشان ملکه می‌شود. در نتیجه در محیط بیرون نیز کمتر دچار فساد اخلاقی از جمله اسراف می‌شوند. اما اسراف ابعاد دیگری هم دارد که قابل بحث و بررسی است و نقش بانوی قرآنی و مسلمان در پیشگیری از آن بسیار تعیین‌کننده‌است.

■ ■ ■

■ تقلیدهای کورکورانه

یکی از عوامل مهم در تربیت انسان‌ها تقلید است. اگر این موضوع منشأ عقلانی داشته باشد موجب رشد و تکامل انسان می‌شود اما اگر با تمایلات نفسانی همراه باشند نتایج و پیامدهای ناگواری را در زندگی انسان به جامی گذارد. می‌توان گفت یکی از عوامل اسراف، همین تقلیدهای کور کورانه و چشم و همچشمی‌هاست. بی‌شک در جامعه‌ای که مدیران و مسئولان در سطحی متوسط زندگی می‌کنند و از ریخت و پاش‌ها و مصرف‌های بی‌مورد خودداری می‌کنند، مردم نیز به پیروی از آنان چنین شیوه‌ای را به کار می‌گیرند. بدین جهت حضرت علی(ع) می‌فرمانند: **خداي متعال بر رهبران صالح و عادل اجتماع واجب کرده است تا اوضاع، پوشاک، خوراک، مسکن و سایر نیازمندی‌های خود را هم‌وزن اقشار مختلف مردم قرار دهند تا تحمل فقر و سختی معیشت برایشان آسان شود و از داشتن زندگی فقیرانه در**

در خانه‌های قدیمی صمیمیت و مهر بائی و به نوعی روح زندگی جریان داشت که در خانه‌های شیک و مدرن امروزی وجود ندارد. اسراف در این خانه‌ها با ساده‌ترین شکل ممکن زندگی می‌کردند و همیشه هم فریادرس یکدیگر بودند. در واقع سبک زندگی ایرانی مبتنی بر سادگی و به دور از اسراف و ریخت و پاش و تجملگرایی در بین این خانواده‌ها وجود داشته‌است. امروزه با پیشرفت تکنولوژی و شتاب بیش از حد زندگی مدرن سبک زندگی خانواده‌های ایرانی هم دچار دگرگونی شده‌است. خانواده‌های امروزی به نوعی بین سنت و مدرن معلق مانده‌اند ولی ظاهراً در این کشمکش، سبک زندگی مدرنیت‌به برنده شده و توانسته بر جامعه ایرانی غلبه کند



جامعه‌است تماماً از اجسام ساده و رنگ‌های سرد تشکیل شده‌اند که درواقع سادگی نکته اصلی آنهاست ولی به خانه ایرانی، بی‌روحی و سردی بیگانگی را می‌دهد. عده‌ای هم که می‌خواهند ادای پایبندی به سنت‌ها را دربیآورند در عتیقه‌فروشی‌ها یا بازارچه‌های مختلف دنبال اجناس قدیمی و کهنه هستند و با قرار دادن آنها در گوشه‌ای از خانه، بدون هیچ نوع هارمونی و همگونی با وسایلی دیگر خانه تنها یک شلختگی بصری را ایجاد می‌کنند. این وسایل و این نوع چیدمان با خانه‌های ما غربیه‌اند، با فرهنگ ما بیگانه‌اند، اینها سردی روابط و دور شدن افراد از یکدیگر را موجب می‌شوند. در حالی که در خانه‌های قدیمی رنگ‌های گرم و شاد حرف اول را می‌زدند. وقتی وارد خانه‌ای می‌شدید گرمای آن خانه ما را جذب آنجا می‌کرد و این گرما از وجود تک‌تک افراد خانه‌ای نشست می‌گرفت که همگی در فضایی گرم و صمیمی در کنار هم زندگی می‌کردند. وسایل این خانه‌ها که همگی از جنس‌های مرغوب ایرانی بودند و چیدمان آنها مزی در علت این همه حس آرامش بود. وسایلی که امروز تنها به عنوان یک وسیله دکوری گاهی در خانه‌ای می‌توان دید.

شاید تصور شود با این سبک زندگی جاقفاده در جامعه امروزی هر چند هم تلاش کنیم نمی‌توانیم سنت را در خانه‌هایمان بیاوریم، اما می‌تواند اینگونه نباشد و تنها با کمی ذوق هنری و خلاقیت، می‌توانیم سنت را وارد خانه‌هایمان کرده و روح ایرانی را در آن به جریان بیندازیم. چه خوب است لذت و حس شیرین سنت را تنها در سفره‌خانه‌های سنتی آن هم به شکلی تصنعی تجشیم. چه خوب است که سفره‌هایمان عطر سفره‌های مادربزرگ را برآیدمان نداعی کند و جز زیبات‌وقتی که سنت قشنگ زندگی ایرانی را با زندگی مدرن امروزی هماهنگ کنیم.

جامعه، سبک زندگی جمعی جامعه را. با توجه به اینکه هنر و ذوق هنری در همه لایه‌های هویت‌ساز زندگی افراد حضور دارد. و شکل و قالب خاصی می‌یابد و همچنین هنر از طریق اثر گذاری بر همه ابعاد شخصیتی افراد، سبک خاصی از زیستن را برای آنها به وجود می‌آورد می‌توان گفت هویت و سبک زندگی امروزه ما دچار بی‌هویتی شده‌است. امروزه نوع و سبک زندگی خاصی که قبل‌ترها تنها مختص قشر مشخصی از جامعه (برخی روشنفکرها و هنرمندناها) بود به صورت فراگیر همه افراد جامعه را درگیر خود کرده و به نوعی همه را از اصل خویش دور کرده‌است. شاید نباید خرده گرفت؛ شاید باید خود را به جریان موج جاری در جامعه سپرد و بگذاریم ما را به هر سمتی که می‌خواهد ببرد؛ می‌گویند جامعه در حال گذار و به سمت جوامع پیشرفته در حرکت است! آیا باید به خاطر پیشرفت و جهان‌اولی شدن هویت اصیل و واقعی شیشه‌های رنگی که هر کدام معنای خاصی برای خود داشتند تماماً نشکست گرفته از ذوق و هنر ایرانیست. ارسی‌ها علاوه بر ایجاد فضای محرمیت در خانه، در تأمین نور طبیعی منازل و دکوراسیون آن نیز نقش بسزایی داشت و همچنین ترکیب رنگ با نور خورشید در ساعات مختلف روز، زیبایی و جلوه بی‌ظفیری را به خانه می‌داد. در واقع ارسی یکی از نمادهای برجسته خانه‌های ایرانیست که امروز هیچ اثری از آن دیده نمی‌شود و جای آن را درها و شیشه‌های بی‌روح دوجداره گرفته‌اند.

■ وسایل سنتی، روح خانه ایرانی

معماری، رنگ و چیدمان یک خانه هویت آن خانه است که در واقع هویت و سبک زندگی صاحبان آن خانه را نمایش می‌دهد. بهتر است بگوییم هویت، مفهوم سبک زندگی است و زندگی، عرصه بروز و ظهور تفصیلی هویت است. هویت فرد، سبک زندگی او را می‌سازد و هویت

زندگی تجملی، دینداری تفننی

«اسراف» کلاس زندگی مان شده‌است



سبک رفتار



شاید مصادیق اسراف را گم کرده‌ایم یا سیاهی این گناه کبیره در وجودمان رنگ باخته‌است. **آنقدر شیرینی تجملگرایی که نمود عینی اسراف است بر ایمان جلوه‌گر شده که اگر شرایط مالی اجازه دهد فارغ از حال و شأن در این ورطه با افتخار گام بر خواهیم داشت؛ افتخاری کاذب. قرار است بهای شسپانه روزگار کردن هایمان، بهای ماشینی زندگی کردن و بهای عمرمان را با تغییر دکوراسیون و نمایش تیپ و وسایل خانه معاوضه کنیم**

ما را در بر گرفته‌است. شاید بد نباشد معنای اسراف را مرور کنیم.

■ گناه کبیره‌ای که مد شده‌است

ای‌تالله دستمبیت گناه اسراف را اینگونه بیان می‌کنند: «اسراف به معنای تجاوز از حد و زیاده‌روی کردن است و آن یا از جهت کمیت است که صرف کردن مال در موردی که سزاوار نیست «شراً یا عقلاً» هر

چند به مقدار درمی‌باشد یا از جهت کیفیت است و آن صرف کردن مال است در موردی که سزاوار است لیکن بیشتر از آنچه شایسته‌است. مانند اینکه لباسی به قیمت ۵۰۰ تومان بخرد و بپوشد در حالی که لباسی که لایق به حال و شأن او است معادل ۱۰۰ تومان باشد.

و بعضی صرف مال را در موردی که سزاوار نیست تبذیر گفته‌اند و صرف مال را در زیادت‌ر از آنچه سزاوار است اسراف دانسته‌اند.» با کمی دقت درمی‌یابیم که این گناه کبیره، گناه مرسوم در زندگی ما شده‌است.

آنقدر عادی که برای آن عذاب وجدان هم سرافغان نمی‌آید و شاید حتی اگر کسی به ما بگوید فلان خانه یا فلان لباس گرانقیمت در شان ما نیست بپهان هم بر بخورد و ناراحت شویم. دشمن خدا بودن، اصحاب آتش بودن، برادر شیطان بودن که برگرفته از آیات قرآن است، عبارتی هستند که از کودکی کم و بیش شنیده‌ایم و با اندک تفکری در هر یک عمق قاجعه‌ر احساس می‌کنیم اما نمی‌دانم چرا روحمان نسبت به این عبارات سیر شده‌است و تأثیری بر ما ندارد. شاید مصادیق اسراف را گم کرده‌ایم یا سیاهی این گناه کبیره در وجودمان رنگ باخته‌است. آنچه شیرینی تجملگرایی که نمود عینی اسراف است بر ایمان جلوه‌گر شده که اگر شرایط مالی اجازه دهد فارغ از حال و شأن در این ورطه با افتخار گام بر خواهیم داشت؛ افتخاری کاذب. قرار است بهای شسپانه روزگار کردن هایمان، بهای ماشینی زندگی کردن و بهای عمرمان را با تغییر دکوراسیون و نمایش تیپ و وسایل خانه معاوضه کنیم. کاش به دور از اسراف و تجملگرایی که در فرصت زندگی استفاده می‌کردیم و ذهن و روح خود را از این اسارت نجات می‌دادیم. اسارتی که دیر یا زود اعضای خانواده‌مان را هم از جنبه روحی یا از جنبه فشارهای مالی تحت تأثیر قرار خواهد داد. یادمان باشد شاید همه ما در ایجاد چنین فضایی – تجملگرایی – سهیم بوده‌ایم چراکه افراد تجملگرا از این سبک زندگی بازخورد خوبی هم دریافت کرده‌اند و آن هم کسب احترام بیشتر از جانب اطرافیان بوده‌است و حتی گاهی اوقات این سبک زندگی باعث شده برخی عیوب پوشیده شود و این موضوع در قالب ضرب‌المثل هم بین مردم رواج پیدا کرده‌است. همین بازخوردهاست که من و شما را ترغیب خواهد کرد تا فضایی بیرونی‌مان را بیشتر و بیشتر با زیبایی‌های مادی پیوند بزنیم، غافل از لطمه‌هایی که به شخصیت خود وارد می‌کنیم به گونه‌ای که شاید خودمان هم عیب‌مان را فراموش کنیم.